



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ادله چهارگانه شیعه در مورد تقیه

محمد حسین مظفر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادله چهارگانه شیعه در مورد تقیه

نویسنده:

محمد حسین مظفر

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ادله چهارگانه شیعه در مورد تقيه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	دلیل از سنت
۶	اجماع
۶	عقل
۸	آغاز دوران تقيه
۱۶	تقيه در خدمت دين
۱۹	پاورقی
۲۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد حسین مظفر

مقدمه

تقیه چیست؟ واژه «تقیه» مأخوذ از «وقایه» به معنای سپر است که انسان خود را زیر آن پنهان می سازد و خطرات را از جان و دیگر چیزهای ارزنده اش دفع می کند. شیعه در مورد تقیه به ادله چهارگانه استناد دارد. از قرآن به عنوان نمونه به آیه یاد شده در ذیل توجه کنید: لا- يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المومنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شىء الا ان تتقوا منهم تقاه و يحذرکم الله نفسه. [۱]. مؤمنان نباید همکیشان خود را وانهند و با کافران طرح دوستی ریزند، و هر کس چنین کند او را از دین خدا بهره ای نیست، مگر آنکه در حال تقیه باشید. و خداوند شما را از کیفر این عمل برحذر می دارد و شما را از عاقبت این کار می ترساند. [۲]. پس خدایتعالی مطابق این آیه اجازه می دهد که مؤمنان به هنگام خوف بر جان خود و در مورد تقیه و ترس از شر و آسیب کافران، تظاهر به دوستی آنان کنند تا بدین وسیله از خطر برهند.

دلیل از سنت

دلیل بر جواز تقیه از سنت بویژه در میان احادیث و سنن اهل بیت، زیادتر از آن است که همه اش در این مختصر بگنجد و ما در اینجا بخشی از آنها را خاطر نشان خواهیم ساخت و کافی است آنچه را که شیعه و سنی در داستان عمار روایت کرده اند، در نظر بگیریم و در پیرامون همین ماجرای عمار بود که خداوند آیه «الا من اکره و قلبه مطمئن بالايمان» [۳] را فرو فرستاد.

اجماع

در مشروعیت تقیه، بلکه در وجوب آن احياناً میان فقها و دانشمندان شیعه اتفاق نظر و باصطلاح اجماع است و شاید مسئله تقیه از آن سلسله مسائل باشد که حتی دو تن نیز در مورد آن اختلاف ندارند.

عقل

عقل هم بطور قطع حکم می کند که انسان در مواقع خطر تا آن اندازه که می تواند باید جان و مالش را از خطر نابودی حفظ کند و خویشتن را در مهلکه نیندازد و حتی قرآن مجید در تأیید این حکم عقل گوید: ولا تلقوا بايديکم الى التهلكه. [۴]. خویشتن را به دست خود به هلاکت نیندازید. ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً. [۵]. خود را نکشید که خداوند نسبت به شما مهربان و دلسوز است. سیره عقلای جهان نیز بر همین است؛ زیرا انسان بطور غریزی و طبیعی بی آنکه بیندیشد و نظر عقل و شرع را جویا شود، تقیه می کند. هرگاه شما بر مردمی گذر کنید که از لحاظ مذهب و یا خط مشی سیاسی با شما مخالفند و شما از سوی ایشان بر جان خود بترسید، بدون تردید تا می توانید راز دلتان را پنهان نگاه می دارید. از این دیدگاه هرگاه شما تاریخ اسلام را از روزگار نخستین آن مورد توجه قرار دهید، خواهید دید که تقیه به عنوان یک مسئله ضروری،

پناهگاه بوده است. نبی اکرم (ص) در آغاز دعوت، بطور پنهانی اقدام فرمود تا بنی هاشم را فرا خواند و سپس به دستور الهی دعوتش را آشکار ساخت. مسلمانان هم پیش از گسترش اسلام دینشان را کتمان می کردند؛ حتی ابوطالب عموی پیامبر، اسلامش را پنهان می کرد تا بتواند از

برادرزاده اش کاملاً دفاع کند و در این دفاع از تهمت قریش دور باشد. تا آنکه اسلام نیرو گرفت و جریان عکس شد؛ یعنی کافران در مکه و مدینه (از روی تقیه) اظهار اسلام کردند، لیکن در دل خویش کفر می پروردند.

آغاز دوران تقیه

تقیه در عصر امام جعفر صادق (ع) شروع نشده، بلکه در روزگاران پیشتر هم وجود داشته است. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بخش اعظم عمر خود را در تقیه گذرانده است؛ زیرا او و اندکی از مسلمانان آگاه از ابتدای خلافت این مقام را حق مسلم او می دانستند، اما چون به تعداد کافی کمک و مدد کار نداشت، سکوت اختیار فرمود و به تعبیر خود آن حضرت، اگر چهل مرد جنگی و مصمم می داشت از پس گرفتن حق خلافت باز نمی نشست. آری، حضرت علی (ع) در زمان خلافت خلفای قبل از خود افکار و عقاید خود را داشت و هرگز هم‌رأی و هم‌فکر آنها نبود؛ ولی با آنان می ساخت و با تقیه رفتار می کرد. در شورای شش نفره وقتی که می خواستند با او بیعت کنند، شرط کردند که او بر سیره خلفای پیشین عمل کند؛ اما او سربسته آن را رد کرد و خلافت را تنها براساس عمل به کتاب و سنت پذیرفت و در نتیجه رأی شورا از او برگشت و حتی پس از تصدی حکومت از ابراز بسیاری از مکونات دل خویش امتناع می کرد؛ زیرا از پائین بودن سطح افکار عمومی آگاهی داشت و مخالفت‌های مردم را زیانبار می دانست. مگر نه آن است که در روزگار حکومت آن حضرت، ناکثین، قاسطین و مارقین پیمان شکنی کردند و راه ظلم و ستم پیش گرفتند و از

دین خارج گشتند؟ پس اگر امیرالمؤمنین علی (ع) همه آنچه را که می دانست آشکار می کرد، از بسیار جهات دیگر هم دچار مشکلات می شد. کما اینکه غالب مردم کوفه پایتخت و مرکز حکومت آن حضرت، شیعه و اهل ولای اهل بیت بودند، ولی باز حضرت علی (ع) نتوانست همه آنچه را که مردم این شهر از روزگاران پیش به ارث برده بودند، تغییر دهد؛ همچنانکه او جز اندکی از اسرار دلش را نتوانست برای اهل کوفه فاش سازد و تازه این، مربوط به زمانی است که هم قدرت معنوی و هم حکومت ظاهری از آن او بود. پس پر واضح است که وضع در دورانی که قدرت در دست او نیست و نیز وضع فرزندان او در روزگاران بعد که شمشیر جور و ستم بر بالای سر آنان قرار داشته، چگونه باید باشد؟! حضرت علی (ع) در آن شرایط خاص و بعدها فرزندان کرامش در آن اوضاع و احوال معلوم، بدان علت تقیه پیش گرفتند که می دانستند ترک تقیه و ابراز حقایق، آنان و دوستانشان را از بین خواهد برد. پیشتر نیز حضرت علی (ع)، پسرانش را به استفاده از تقیه دستور داده بود، چنانکه طبرسی روایت کرده است که حضرت علی (ع) خطاب به فرزندان فرمود: به شما دستور می دهم که برای حفظ دین و آئین خود به هنگام لزوم، تقیه را بکار گیرید - تا فرمود: - بدین وسیله جان برادران و یاران محفوظ می ماند و این بهتر از آن است که خود را در معرض هلاکت قرار دهید و از حدود دین کنار رفته و جان برادران خود را به خطر اندازید. بهوش

باشید! مبادا در موارد لزوم از تقیه بهره نجوئید که در این صورت در خون خود خواهید غلتید و وسیله ریختن خون برادران دیگر خواهید شد و خود و آنان را تباه و هلاک خواهید ساخت و ذلیلانه گرفتار دشمنان دین خواهید گردید؛ در صورتیکه خداوند دستور داده است در عزت مؤمنان بکوشیم. ای فرزند! اگر تو با این وصیت من مخالفت کنی ضرر و زیان تو بر خود و برادران دینی ات از ضرر و زیان ناصبها و کافران نسبت به ما بیشتر خواهد بود. [۶]. بدین ترتیب ملاحظه می کنید که چگونه امیرالمؤمنین علی (ع) دوستان خود را به رعایت اصل تقیه و بکار بستن آن به هنگام لزوم امر می فرماید و پرده از روی فواید و آثار و نتایج مثبت آن کنار می زند. شیعه و تشیع به روزگار حکومت حضرت علی (ع) آشکار گشت، زیرا در آن موقع تمام قدرت در دست امام شیعه و مرجع آنان قرار داشت؛ پس دشمنان در هر شهر و دیاری آنان را شناختند و معلوم است که شیعه پس از برگشتن حکومت چه وضعی پیدا می کنند و چه سرنوشتی ممکن است در انتظار آنان باشد؟! معاویه با همه امکاناتش و با توسل به هر خدعه و نیرنگی با شیعه جنگید و از جمله کارهای ننگین او، رواج دادن دشنام بر حضرت علی (ع) بود و آنقدر روی این عمل زشت اصرار ورزید که به تعبیر خودش یک نسل براساس آن پرورش یافت. و چه جنگی از این مهمتر: جنگی روانی - تبلیغاتی؟ سپس بسیاری از رجال معروف و مردان نامدار شیعه را که در کوفه بودند از

دم تیغ گذراند و برای دستیابی به آنان، زیاد را حاکم آن شهر کرد و بصره را نیز بر قلمرو او افزود؛ چرا که زیاد به این منطقه کاملاً آشنائی داشته است. مدائنی می نویسد: زیاد آنان را زیر هر سنگ و کلوخی کشت و رعب و وحشتی عجیب در دلهایشان انداخت. دستها و پاها برید، چشمها درآورد، و تن بسیاری از شیعیان را بر شاخه های درخت خرما آویخت و عده زیادی را هم از عراق رانده و دربدر کرد. [۷] و اما آنان که نتوانستند فرار کنند و یا تحت تعقیب قرار گرفتند و به سبب معروفیتشان دستگیر شدند، سرنوشتی جز مرگ خونین نداشتند، چونان حجر بن عدی و عمرو بن حمق و مانند ایشان. در تاریخ عبری (مختصر الدول) صفحه ۸۷ چنین می خوانیم: معاویه جاسوسانی بر شیعیان علی (ع) گماشته بود و هر جا سراغی از آنان می گرفت از دم شمشیرشان می گذارنید. و امام محمد باقر (ع) نیز آنجا که مصائب و گرفتاریهای اهل بیت و شیعیان را یاد می کرد، می فرمود: «ماجرای ابتلای شیعه و در بدری آنان پس از شهادت حسن بن علی علیهما السلام سخت غم انگیز است، چون بدرفتاری توسط معاویه به اوج شدت خود رسید. شیعیان در هر شهری به قتل می رسیدند و دست و پاها روی حدس و گمان بریده می شد و سزای دوستی ما و ارتباط با ما عبارت بود از زندان، غارت دارائی و ویرانی خانه و کاشانه.» [۸]. معاویه از وجود حضرت حسن بن علی علیهما السلام بیمناک بود، زیرا انتظار قیام از سوی امام را داشت؛ وانگهی قرار داد صلح آن بزرگوار با معاویه براساس شرایطی

بود، از جمله اینکه خلافت و حکومت پس از مرگ معاویه به حسن بن علی علیهما السلام واگذار گردد و معاویه از این بابت نگران بود و لذا امام حسن (ع) را با زهر مسموم و شهید کرد. پس دیده های مردم تا حسن بن علی علیهما السلام در قید حیات بود به او دوخته بود و با اینکه معاویه از آن حضرت می ترسید، رفتارش آنگونه بود؛ پس معلوم است که پس از شهادت امام طرز رفتار او با شیعیان چگونه خواهد بود! روزگار معاویه و زیاد به پایان رسید و حکومت به دست یزید و ابن زیاد افتاد. ابن زیاد در مدتی کوتاه، مسلم بن عقیل، هانی، رشید هجری و میثم تمار و بسیاری از جوانمردان شیعی را بیرحمانه کشت و عده زیادی را هم به سیاهچالهای زندان انداخت، تا آنکه آمار زندانیان او به دوازده هزار نفر رسید و سرانجام واقعه کربلا رخ داد. اینهمه فشار، ظلم و شکنجه هنوز فراموش نشده بود که عصر حجاج خون آشام فرا رسید و بگذارید وضع این عصر را هم از بیان امام باقر (ع) بشنویم که شخصاً شاهد جریانات تأسفبار آن زمان بوده است: «آنگاه حجاج به قدرت رسید. او شیعیان را به بدترین وضع ممکن قتل عام می کرد و به هر تهمت و گمانی آنان را دستگیر می ساخت و فشار در زمان او به حدی رسید که مردم حاضر بودند به آنان زندیق و یا کافر گفته شود اما شیعه علی (ع) نامیده نشوند.» [۹] ۹ این بود گوشه ای از رفتار امویان با علویان و شیعیان اهل بیت. حال اگر تاریخ عصر عباسی هم با

دقت بررسی و دنبال گردد، معلوم می شود که عباسیان در رفتار قساوتبار خود پیرو امویان بوده اند و آنان نیز همچون آل سفیان، اولاد علی (ع) و محبان اهل بیت را با وضع رقتبار کشته و در بدر کرده اند. آیا با این همه مصیبت و گرفتاری، شیعه می توانست به طور آشکار نظر و عقیده خود را بیان کند و در برابر سلطه های حاکم که با تمام نیرو و برای درهم کوبیدن آنان بسیج شده بودند، بایستد؟. به نظر ما تقیه در این شرایط کاملاً طبیعی بوده و هرگاه خود ما به عنوان یک مسؤل در چنین تنگنایی قرار می گرفتیم، جز این روش را برای خود و پیروانمان عقلانی نمی دانستیم. آیا عاقلانه است که در چنان اوضاع و احوالی پیروان خود را به افشای راز و ابراز عقیده تشویق کنیم و بدین وسیله آنان را در دام دشمن بدخواه اسیر سازیم و هدف تیر منافقان قرارشان دهیم؟ آیا عقل جز به این حکم می کند که انسان در چنین شرایطی به شکلی محافظه کارانه عقاید و افکار خود را کتمان کند تا از گرفتاری به دست دشمن بدخواه که بر سر کار است، رهائی جست و از شکنجه و درگیری و کشتار جان سالم به دربرد؟ اما از آنجا که عترت پایه و رکن دوم اسلامند و حافظ شریعت و نگهدارنده دین، اگر امامان روش تقیه را پیش نمی گرفتند و همگی در برابر دشمنان قیام مسلحانه کرده و کشته می شدند، پس تفسیر و بیان شریعت چگونه صورت می گرفت؟ و هرگاه اهل بیت می خواستند عدل و ملازم قرآن باقی بمانند تا سر حوض بر رسول الله (ص) وارد

شوند گزیری از در پیش گرفتن تقیه نداشته اند تا با پنهانکاری و حفظ اسرار، ظلم و ستم، و فساد و گمراهی غاصبان مقام خلافت را بر ملا سازند. از این رو امام جعفر صادق (ع) طی حدیثی با صراحت تمام می فرماید: التقیه دینی و دین آبائی ولا دین لمن لا تقیه له و ان المذیع لامرنا کالجاحد به. [۱۰]. تقیه دین من و دین پدران من است و آن کس که تقیه ندارد، دین ندارد. البته کسی که اسرار و رازهای ما را فاش کند همانند کسی است که منکر حق ما شود. و در مورد دیگر که امام با اصحاب خاص خود به راز دل پرداخته می فرماید: لا تذیعوا امرنا ولا تحدثوا به الا اهله فان المذیع علینا سرنّا اشدّ مؤونه علینا من عدوّنا انصرفوا رحمکم الله ولا تذیعوا سرنّا. [۱۱]. امر ما را فاش نسازید و آن را جز با اهلش در میان نگذارید، زیرا زحمت و دردسر آن کس که راز ما را فاش می کند از زحمت و دردسر دشمن ما بیشتر است. پراکنده شوید - رحمت خد بر شما - و راز دار باشید. و در حدیثی دیگر فرمود: کسی که در راه ما مظلوم واقع می شود و آهی می کشد، آه او ثواب تسبیح دارد و به کسی که در راه دوستی و محبت ما غم و اندوهی رسید، این غم و اندوه برای او عبات محسوب می گردد و پنهان کردن راز ما جهاد در راه خدا شمرده می شود. [۱۲]. و به مدرک بن هزهار که یکی از اصحاب و راویان موثق و مورد اطمینان بوده است، فرمود:

یا مدرک! انّ امرنا لیس بقبوله فقط ولکن بصیانتہ و کتمانہ من غیر اہلہ... [۱۳]. ای مدرک! مسئله با پذیرش امر ما (امامت ما) تمام نمی شود، بلکه نگهداری این امانت و حفظ آن از نا اهلان هم شرط است. به دوستان ما سلام برسان و درود و تحیت ما را به ایشان ابلاغ کن و بگو خدا رحمت کند مردی را که دل مردم را به سوی ما معطوف می دارد و از احادیث ما آنچه را که آنان را یارای قبول و تحمل هست به ایشان بازگو می کند و از طرف آنچه که فهمشان از درک آن کوتاه است، صرف نظر می نماید. امامان شیعه، بطور دائم اصحاب خود را به راز داری و حفظ سرّ فرا می خوانده اند و حتی جابر جعفی، آن راوی موثق و شاگرد مورد اطمینان که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حدیثها روایت کرده است، گفت: پنجاه هزار حدیث و راز در سینه دارم که تاکنون آنها را به احدی نگفته ام. و در حدیثی دیگر گفت: نود هزار حدیث فقط از امام باقر (ع) در دل پنهان دارم و آنها را به احدی بازگو نکرده ام و پس از این هم به کسی نخواهم گفت: [۱۴]. امام ششم به معلی بن خنیس فرمود: به سبب افشای اسرار و رازهای ما خود را گرفتار مسازید که دشمنان اگر خواستند، شما را آزاد کنند و اگر اراده کردند، شما را بکشند. [۱۵]. و در جای دیگر فرمود: معلی جز به سبب افشای حدیث دشوار ما کشته نشد. پس این احادیث پرده از روی فلسفه تقیه بر می دارد و فایده

آن را مشخص می کند و چه بسیار است احادیث در زمینه رازدار بودن نسبت به اسرار امامان، تا اندازه ای که افشای راز و سر آنها قتل عمده محسوب گردیده است. بدین ترتیب، چون ائمه می دانستند که شیعه حیثاً در تنگناهای سختی واقع خواهد شد، طی این احادیث، تقیه را به آنان یاد می دادند و آنان را موظف به رعایت آن می کردند.

تقیه در خدمت دین

اثر و فایده تقیه به عنوان خدمت به دین و جامعه تشیع بر احدی پوشیده نیست؛ زیرا تشیع در کوفه به روزگار زیادبن ابیه بسیار ضعیف شده و از رجال نامدار شیعه احدی در آن باقی نمانده بود و در ایام حجاج هم وضع به جایی رسید که نسبت کفر و زندقه به شخصی بهتر از نسبت تشیع بوده است. ولی از این همه فشار، انزوا و تحت پوشش تقیه زندگی کردن دیری نگذشت تا اینکه تعداد راویان امام جعفر صادق (ع) طبق آماری که ابن عقده ارائه داده است و شیخ طوسی در «رجال»، طبرسی در «اعلام الوری» و محقق در «معتبر» آورده اند، بالغ بر بیش از چهار هزار نفر شدند که اکثر آن راویان، اهل کوفه بوده اند. حسن بن علی و شا از محدثان شیعه و از اصحاب حضرت امام رضا (ع) و از روات موثق می گوید: اگر می دانستم احادیث امام صادق (ع) این اندازه طالب و علاقمند دارد، آنها را بیشتر فرا می گرفتم؛ زیرا من در همین مسجد کوفه نهصدتن را دیدم که همه می گفتند: حدیث فرمود ما را جعفر بن محمد علیهما السلام. و تازه و شا جز اندکی از شاگردان امام را درک نکرده است. بدین ترتیب راز کثرت روایت

از امام صادق (ع) شناخته می شود و روشن می گردد که چگونه امام، منبع دانشهای سودمند و والای بشری بوده و از زبان آن بزرگوار حکمها و حکمتها جاری گشته است و نیز دانسته می شود که چرا فرهنگ انتشار یافته از سوی امام به عنوان مذهب تشیع معروف شده و چگونه و چرا بزرگان و سرشناسان اهل سنت، مانند مالک، ابوحنیفه، سفیانها، ایوب سختیانی، شعبه، ابن جریح و دیگران جملگی از امام ششم ما حدیث شنیده و روایت کرده اند. امام (ع) بدان سبب توانسته اینهمه خدمت انجام دهد که خود را از جامعه کذائی آن روز دور نگاه داشته و از موارد تهمت دوری گزیده و از جدال بر سر خلافت و حکومت اجتناب فرموده است و در زیر پوشش تقیه به سازندگی اساسی و اشاعه فرهنگ اسلامی پرداخته و معارف و فضائل اخلاقی را نشر داده است و اگر امام راهی جز این انتخاب می کرد آنهمه دانشها و فضیلتها را نمی توانست انتشار دهد و طبعاً مقام و منزلت ائمه اهل بیت ناشناخته و حقایق قرآنی و علوم دینی زیر ابرهای تیره پنهان می ماند و بشریت از این معارف والا محروم می گشت. [۱۶]. اگر امام روش خاص خود را پیش نمی گرفت، فصاحت و رسوائیهای دو سلطه اموی و عباسی آشکار نمی گردید و نیز کوس رسوائی فرقه های باطل زده نمی شد و حجت و بیان از سوی دانشمندان و ایدئولوگهای اسلامی بر ضد منحرفان تمام نمی گشت و به هر حال اگر امام روش تقیه پیش نمی گرفت، امروزه جمعیت شیعیان به میلیونها تن نمی رسید و آنان در همه بلاد جهان منتشر نمی گردیدند. [۱۷]. پس، از مطالب یاد شده

تأثیر تقیه در خدمت دین و شریعت شناخته گردید و معلوم شد که چگونه امام صادق (ع) در زیر پوشش تقیه تاریکیها و تیرگیهای ظلم و گمراهی را زدوده و مردم را با حقایق ایمان آشنا ساخته و شبهات و بدعتها را از میان برده است (که اگر امام تقیه نمی کرد، سلطه ستم پیشه عصر، مجال فعالیت به او نمی داد و در همان آغاز امر چراغ عمر شریفش را خاموش می کرد). ما گمان نداریم که شما پس از خواندن این مطالب به یاوه هائی که درباره تقیه گفته شده و می شود، گوش فرا دهید، و نیز نسبت دادن شیعه را به باطنیگری به علت همین پنهانکاری و راز داری، پنداری بیش نخواهید دانست. ما با این بیان، چهرهء حقیقی تقیه را نشان داده ایم و برای کسانی که مدعی اند محاسن و خوبیهای تقیه بر ما پوشیده است و روی ایدئولوژی تقیه پرده ضخیمی است و شاید پشت آن پرده هزاران عیب و نقص وجود داشته باشد، حقیقت امر را روشن ساخته ایم؛ زیرا چه بسا تبلیغات چیهای سوء می گویند: کسی که عقیده اش را پنهان می دارد، مردم او را چگونه بشناسند و به مکنون دل او چگونه پی ببرند؟ آری، این سخنان یاوه پس از تشریح ماهیت تقیه و بیان آثار آن در برهه هائی از زمان، دیگر قابل شنیدن نیستند؛ بویژه امروز که در سایه گسترش و پیشرفت امر چاپ، دانشهای شیعه و عقاید آنان انتشار یافته، پس پنهانکاری کجاست و تقیه کدام است. بی شک تقیه جز در روزگاری که شیعه در اقلیت و امکانات محدود بوده، مورد نداشته و ندارد؛ زیرا اگر آن جمیعت اندک هم در اثر

بیباکی و ترک محافظه کاری از دم تیغ دشمن می گذاشتند، اکنون دیگر از اهل بیت و دانشهایشان و این همه احادیث و معارف نام و نشان و خبری نبود. اما امروز که وضع جهان دگرگون شده و شیعه سروسامانی یافته و کتابهای مختلف آنان دنیا را پر کرده است، دیگر از هیچ نویسنده یا خواننده ای پذیرفته نیست که بگوید: مذهب امامیه باطنی است و آنان با پوشش تقیه زندگی می کنند و ما از مبادی فکری و اعتقادی آنان اطلاعی نداریم و از اصول و فروع مذهبشان بی خبریم. زیرا کتابهای شیعه در زمینه علوم و فنون مختلف چاپ شده و در اختیار همگان قرار دارد و منابع و مدارک در این زمینه کاملاً فراوان است. [۱۸].

پاورقی

[۱] آل عمران ۲۸/.

[۲] در ترجمه و تفسیر این آیه از تفسیر مجمع البیان استفاده شده است. نگاه کنید به ج ۱، ص ۴۳۰ غیر از این آیه، آیات دیگری نیز در زمینه تقیه هست که در لابلای بحثهای بعدی مطرح خواهد شد.

[۳] النحل ۱۰۶.

[۴] البقره ۱۹۵/.

[۵] النساء ۲۹/.

[۶] نگاه کنید به «احتجاج» تألیف احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی از دانشمندان بزرگ شیعه، و این کتاب او بسیار پر فایده و مهم است.

[۷] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۳.

[۸] همان کتاب.

[۹] همان کتاب.]

[۱۰] بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۴.

[۱۱] همان کتاب.

[۱۲] همان کتاب، ص ۶۴.

[۱۳] همان کتاب، ص ۶۸.

[۱۴] همان کتاب، ص ۶۹.

[۱۵] همان کتاب، ص ۷۲.

[۱۶] هنگامی که جامعه در انحطاط فکری و عقیدتی بسر می برد و هنوز پیشوای شایسته را از زمامدار خود کامه و خودسر تشخیص نمی دهد، باید

زیر بنای جامعه را عوض کرد و به انسانسازی پرداخت، والا- اگر فرضاً حکومت را از دست غاصب گرفتیم، با کدام نیروی انسانی کارها را سامان دهیم؟.

[۱۷] راجع به شیعه، آمار نفوسی آنان، تعداد کشورها و شهرهای شیعه نشین به کتاب «تاریخ شیعه» مراجعه فرمائید.

[۱۸] صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق (ع) محمد حسین مظفر، ص ۱۵۳ - ۶۴.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

